

اعمال حق رأی در حقوق انتخابات سیاسی ایران و فرانسه

جواد تقی‌زاده*

استادیار گروه حقوق دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

دریافت: ۱۳۸۹/۷/۶

پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۶

چکیده

ثبت‌نام رأی‌دهندگان در فهرست انتخاباتی و تعلق محلی آنان به حوزه رأی‌گیری از شرایط اعمال حق رأی در بسیاری از نظام‌های سیاسی است. ثبت‌نام رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی در فرانسه اجباری است. به رغم تجربه طولانی برگزاری رأی‌گیری‌های متنوع سیاسی در ایران، هنوز تنظیم فهرست‌های انتخاباتی در ایران پیش‌بینی نشده است. به دلیل فقدان فهرست‌های انتخاباتی نمی‌توان اجرای شرط تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه یا محرومیت مجانین و محرومان از حقوق اجتماعی از مشارکت در انتخابات سیاسی را تضمین کرد. تعلق محلی به حوزه رأی‌گیری برای ثبت‌نام در فهرست‌های انتخاباتی و اعمال حق رأی در تمام رأی‌گیری‌های سیاسی فرانسه شرط است. فقط قانون انتخابات شوراهای اسلامی محلی در ایران، لزوم تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه را شرط می‌داند. به دلیل عدم تعیین حوزه‌های انتخابیه خارج از کشور و عدم شناسایی آرای مکاتب‌های و کالتهی در ایران، شهروندان ایرانی ساکن خارج، برخلاف شهروندان فرانسوی ساکن خارج عملاً از اعمال حق رأی در بسیاری از انتخابات سیاسی محروم شده‌اند.

کلید واژه‌ها: رأی، انتخابات سیاسی، حقوق انتخاباتی، حقوق اساسی

۱. مقدمه

اگرچه در میان سه قوه‌ای که منتسکیو از آن‌ها سخن می‌گوید به هیأت انتخاب‌کنندگان

Email: jtaghizadehd@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله :



اشاره‌ای نشده است، از زمان پیروزی اندیشه حاکمیت ملی در سال ۱۷۸۹ این هیأت قوه‌ای مسلم، قوه‌ای اصیل و اولین قوه است [۱، ص ۲۹۵]. هیأت انتخاب‌کنندگان اولین نهاد حکومت است، زیرا سایر قوای عمومی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط وی تأسیس می‌شوند [۲، ص ۳۷]. این هیأت مرکب از اشخاصی است که از لحاظ حقوقی دارای حق رأی، یعنی حق مشارکت در رأی‌گیری‌های ملی و محلی هستند [۳، ص ۴۹۹]. دارا بودن شرایط اعطای حق رأی و شرایط اعمال آن برای مشارکت در هر رأی‌گیری یا انتخابات لازم است [۴، ص ۳۹۳]. تابعیت، بلوغ، آمادگی روانی و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی با تفاوت‌هایی، شرایط اعطای حق رأی در انتخابات سیاسی ایران و فرانسه هستند که برای اعمال حق رأی نیز وجود آن‌ها لازم است. برخورداری از حق رأی لزوماً به معنای اعمال مؤثر آن نیست [۵، ص ۱۷].

از گذشته‌های دور تاکنون و به صورت گسترده، الگوی دموکراتیک بر تشابه دموکراسی با رأی استوار بوده است، به این معنا که نظام دموکراتیک، نظامی است که در آن شهروندان حق رأی دارند. این الگو امروزه محل تأمل است و بسیاری از نویسندگان برای توصیف یک نظام به دموکراتیک بیشتر به شرایط اعمال حق رأی در یک دولت - کشور اهمیت می‌دهند [۶، ص ۱۷۸]. به عبارت دیگر، شناسایی حق رأی یکی از عناصر لازم تحقق جامعه دموکراتیک است؛ اما برای تحقق دموکراسی، شناسایی حق رأی و حتی گستردگی دایره رأی‌دهندگان کفایت نمی‌کند. تحول کمی به سوی رأی عمومی بدون شک یکی از شرایط لازم برای مشارکت شهروندان در حیات سیاسی ملی است، اما کافی نیست [۷، ص ۲۷۶]. باید توقعات دموکراسی درباره سلامت و صداقت رأی‌گیری‌ها تأمین شوند تا ابراز واقعی حاکمیت شهروندان تضمین گردند. اعمال حق رأی در بسیاری از نظام‌های سیاسی به ثبت‌نام پیشینی رأی‌دهندگان در فهرست انتخاباتی و تعلق محلی آنان به حوزه رأی‌گیری منوط است. این ترتیبات، زمینه تضمین محرومیت‌ها از اعمال حق رأی و اعمال حق رأی شهروندان مقیم خارج را فراهم می‌کنند.

۲. ثبت‌نام رأی‌دهندگان در فهرست انتخاباتی

در کشورهای دموکراتیک معمولاً در هر حوزه رأی‌گیری فهرست‌های انتخاب‌کنندگان تنظیم می‌گردند که روی آن‌ها شهروندان واجد شرایط رأی دادن ثبت‌نام می‌شوند. تهیه فهرست‌های انتخاباتی از ضروریات اولیه سلامت انتخابات است و اعمال مناسب حق رأی به ثبت‌نام

پیشینی رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی وابسته است. هر شهروند دارای حقوق سیاسی باید روی یک فهرست انتخاباتی و فقط یک فهرست انتخاباتی ثبت‌نام شود تا بتواند در انتخابات شرکت کند [۸، ص ۴۰۱]. واجدان شرایط انتخاب‌کنندگان در روز رأی‌گیری به استناد ثبت‌نامشان در فهرست‌های انتخاباتی مشخص می‌گردند. ثبت‌نام رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی یا به صورت خودبه‌خود (خودکار) توسط مقامات صلاحیتدار انجام می‌شود یا منوط به ارائه تقاضای شهروندان واجد شرایط رأی دادن به این مقامات است. تنظیم فهرست‌های انتخاباتی در کشورهایی مانند اتریش، دانمارک، پرتغال، ایتالیا یا آلمان به صورت خودکار توسط مقامات صلاحیتدار انجام می‌شود، اما در کشورهایی مانند ایرلند یا یونان واجدان شرایط رأی دادن باید تقاضای ثبت‌نام خویش در فهرست‌های انتخاباتی را به مقامات صلاحیتدار ارائه کنند [۹، ص ۲۱-۲۳]. در فرانسه، اصل بر لزوم تقاضای شهروندان برای ثبت‌نام در فهرست انتخاباتی است، اما ماده ۱۱ - ۱ کد انتخاباتی مصوب ۱۰ نوامبر ۱۹۹۷ ثبت‌نام خودکار اشخاصی را که پس از آخرین بستن قطعی فهرست‌های انتخاباتی به هجده سالگی تمام رسیده‌اند یا پیش از بستن قطعی آینده این فهرست‌ها به هجده سالگی تمام می‌رسند در فهرست انتخاباتی کمون (شهر یا روستا) اقامتگاه واقعی آنان پذیرفته است. هدف ماده مذکور این است که پاسخی سمبلیک به بی‌مهری جوانان در رابطه با زندگی دموکراتیک و آیین‌های آن ارائه کند [۱۰، ص ۲۶]. این موضوع مورد انتقاد برخی از حقوقدانان فرانسوی [۱۱، ص ۱۹۵] است؛ زیرا معتقدند کسب شهروندی انتخاباتی باید از یک مشی مسؤولانه ناشی شود. به‌علاوه، تضمینی وجود ندارد که ثبت‌نام‌شدگان جدید در رأی‌گیری شرکت کنند که این امر می‌تواند درصد عدم مشارکت در رأی‌گیری را با آثار مهم ناشی از آن افزایش دهد. فهرست‌های انتخاباتی عمومی هستند؛ زیرا به یک رأی‌گیری معین وابسته نیستند و برای تمام رأی‌گیری‌های ملی یا محلی با ماهیت سیاسی استفاده می‌شوند [۵، ص ۲۲]. این فهرست‌ها دائمی هستند، اما در صورت تغییر وضعیت ثبت‌نام‌شدگان در فهرست‌ها، در اثر عواملی مانند فوت یا تغییر محل اقامت آنان، فهرست‌های انتخاباتی نیز تغییر می‌کنند.

۲-۱. فواید فهرست‌های انتخاباتی

اولین فایده فهرست انتخاباتی این است که اشخاص واجد شرایط رأی دادن را تعیین می‌کند. این کارکرد، اصلی‌ترین فایده فهرست‌های انتخاباتی است [۲، ص ۱۴۹]. فقط ثبت‌نام در فهرست انتخاباتی به شهروندان دارای حقوق سیاسی، قدرت مشارکت در رأی دادن را اعطا



می‌کند [۱۲، ص ۱۴۷]. دومین فایده فهرست انتخاباتی این است که ابزاری اجتناب‌ناپذیر برای مبارزه علیه تقلبات و تخلفات انتخاباتی است. رأی‌دهندگان روز رأی‌گیری در برابر نام ثبت‌شده خویش در فهرست‌های انتخاباتی امضا می‌کنند که این تدبیر تضمین مناسبی برای عدم تحقق آرای مکرر است. به‌علاوه، فهرست انتخاباتی از امکان جابه‌جایی متقلبانه رأی‌دهندگان به نفع داوطلبان حاضر در سایر حوزه‌های انتخابیه و نقض اصل برابری از اهداف حوزه‌بندی انتخاباتی جلوگیری می‌کند. این جابه‌جایی‌ها در نتیجه نهایی انتخابات حوزه‌های انتخابیه کوچک که رقابت انتخاباتی بین داوطلبان فشرده است بسیار تأثیرگذار است [۱۳، ص ۱۶۵-۱۶۶]. سومین فایده فهرست انتخاباتی، تسهیل مدیریت اجرایی انتخابات است، زیرا به متصدیان سازماندهی و برگزاری رأی‌گیری اجازه می‌دهد تا عملیات رأی‌گیری را به صورت مناسب برنامه‌ریزی و اجرا کنند. مجریان انتخابات می‌توانند از طریق فهرست‌های انتخاباتی تعداد دقیق رأی‌دهندگان حوزه‌های انتخابیه و شعب اخذ رأی را تشخیص دهند که این موضوع آن‌ها را در تهیه ابزارهای لازم برای حسن جریان انتخابات، مانند صندوق‌های رأی، تعرفه‌های لازم و غیره کمک می‌کند [۱۳، ص ۱۶۵-۱۶۶]. به دلیل فقدان فهرست انتخاباتی تعداد رأی‌دهندگان شعب اخذ رأی و حوزه‌های انتخابیه قابل پیش‌بینی دقیق نیست و مجریان انتخابات نمی‌دانند چه تعداد رأی‌دهنده در هر یک از شعب رأی‌گیری و حوزه‌های انتخابیه حاضر خواهند شد. عدم ارسال تعرفه‌های کافی برای شعب اخذ رأی و حوزه‌های انتخابیه و یا ارسال تعرفه‌های اضافی برای آنان در روز رأی‌گیری، زمینه‌ساز وقوعی شدن نتیجه انتخابات و بروز تخلفات را فراهم می‌کنند. چهارمین فایده فهرست انتخاباتی این است که در رأی‌گیری‌هایی که کسب درصد خاصی از آرای ثبت‌نام‌شدگان توسط منتخب لازم است اجازه می‌دهد تا این درصد دقیقاً محاسبه گردد. فهرست انتخاباتی، تعداد رأی‌دهندگان ثبت‌نامی را برای محاسبه اکثریت مورد نیاز تعیین می‌کند [۱۴، ص ۵۷۳]. مثلاً داوطلبان فرانسوی برای عضویت در شوراهای محلی شهرستان یا نمایندگی مجلس ملی باید علاوه بر کسب اکثریت مطلق آرای ابراز شده، حداقل یک چهارم آرای ثبت‌نام‌شدگان در فهرست‌های انتخاباتی حوزه انتخابیه را نیز در مرحله اول رأی‌گیری اخذ کنند. در صورت عدم کسب اکثریت مطلق آرای ابراز شده و یا در صورت کسب اکثریت مطلق، اما اخذ آرای کم‌تر از یک چهارم ثبت‌نام‌شدگان در فهرست‌های انتخاباتی حوزه انتخابیه در مرحله اول رأی‌گیری، انتخابات به مرحله دوم کشیده می‌شود که در آن مرحله، کسب اکثریت نسبی برای انتخاب شدن کافی است. فهرست‌های انتخاباتی در برخی نظام‌های

سیاسی دارای کارکردهای استثنایی نیز هستند. اعضای هیأت‌های منصفه محاکم کیفری در فرانسه از طریق قرعه‌کشی از در فهرست‌های انتخاباتی تعیین می‌شوند.

۲-۲. تنظیم فهرست‌های انتخاباتی در فرانسه

فهرست‌های انتخاباتی در فرانسه برای هر شعبه اخذ رأی توسط کمیسیونی مرکب از شهردار (دهیار) یا نماینده وی، نماینده فرماندار یا بخشدار و نماینده رئیس دادگاه شهرستان از اول سپتامبر تا آخر دسامبر هر سال تنظیم می‌شوند. لذا بازبینی فهرست‌های انتخاباتی در فرانسه سالانه است. عملیات بازبینی فهرست‌ها تحت نظارت مقامات فرمانداری است و فعالیت کمیسیون می‌تواند به نظارت قضات عمومی و اداری نیز منجر شود [۱۵، ص ۳۶]. فهرست انتخاباتی تنظیمی سال گذشته مبنای کار کمیسیون قرار می‌گیرد. کمیسیون می‌تواند ثبت‌نام‌های جدید را انجام دهد و اشخاص را به دلایلی مانند فوت، جابه‌جایی محل اقامت یا سکونت و یا از دست دادن شرایط برخورداری از حق رأی از فهرست انتخاباتی حذف کند. حذف نام از فهرست انتخاباتی نیازمند اثبات عدم وجاهت بقای نام است و از دست دادن شرایط ثبت‌نام اولیه برای حذف نام از فهرست کافی نیست. حذف نام ثبت‌نام‌شدگان از فهرست انتخاباتی منوط به اطمینان تنظیم‌کنندگان فهرست مبنی بر فقدان تمام راه‌های بقای نام در فهرست است؛ حال آن‌که متقاضی ثبت‌نام باید حق خویش مبنی بر ثبت‌نام در فهرست انتخاباتی کمون را اثبات کند [۲، ص ۵۱].

کمیسیون موظف است تمام تصمیمات اتخاذی خویش را با ذکر دلایل و مستندات هر ثبت یا حذف نام در یک فهرست جامع تنظیم کند. این فهرست در دهم ژانویه تحویل شهردار (دهیار) می‌گردد تا آن را در شهرداری (دهیاری) آگهی و تصویرش را برای بخشدار ارسال کند. فهرست انتخاباتی علنی است و علنی بودن یکی از تضمینات مهم صداقت آن و صداقت عملیات انتخاباتی است [۱۶، ص ۷۷]. شهردار (دهیار) موظف است فهرست انتخاباتی را برای ده روز در مکان مناسب آگهی کند و هر متقاضی (رأی‌دهنده، نامزد و حزب یا گروه سیاسی) می‌تواند از آن اطلاع یابد یا تصویر بگیرد. ثبت نام‌شدگان روی فهرست‌های انتخاباتی کسولی نیز می‌توانند از این فهرست‌ها در محل اقامت خویش یا در وزارت امور خارجه مطلع



شوند یا تصویر بگیرند. مطابق ماده ۳۳۰ - ۴ کد انتخاباتی فرانسه اگر آشکار شدن اطلاعات راجع به آدرس یا تابعیت فرانسوی اشخاص ثبت نام شده، به دلیل اوضاع محلی، امنیت و آرامش آنان را نقض می‌کند این اختیار می‌تواند محدود یا رد شود. قاضی اداری بر لزوم رعایت این مقررات نظارت می‌کند.^۱ بخشدار فهرست دریافتی را ظرف دو روز همراه با نظرهای خویش به فرماندار تحویل می‌دهد. تحویل فهرست‌های تنظیمی به فرماندار اجازه می‌دهد که وی بتواند قانونمند بودن بازبینی آن‌ها را کنترل کند. اگر فرماندار عملیات کمیسیون را مطابق با شرایط و مهلت‌های قانونی تشخیص ندهد ظرف دو روز مسأله را به دادگاه اداری شهرستان ارجاع می‌دهد. فقط فرماندار می‌تواند به دادگاه اداری مراجعه کند و دادگاه اداری باید ظرف سه روز تصمیم‌گیری کند. در صورت ابطال عملیات بازبینی فهرست انتخاباتی با تصمیم دادگاه اداری، این دادگاه باید مهلت زمانی تنظیم مجدد آن را تعیین کند. شهردار (دهیار) یا فرماندار می‌توانند از تصمیم دادگاه اداری شهرستان ظرف ده روز نزد شورای دولتی تجدیدنظرخواهی کنند. قاضی اداری از صلاحیت رسیدگی به اعتراضات اشخاص حقیقی درباره ثبت یا حذف نام از فهرست‌های انتخاباتی برخوردار نیست. البته در صورت روبه‌رو شدن قاضی اداری با تقاضای ابطال انتخابات^۲، وی می‌تواند سلامت عملیات بازبینی فهرست‌ها را نیز بررسی کند. اگر به نظر قاضی اداری، عملیات بازبینی فهرست‌های انتخاباتی با اقدامات متقلبانه‌ای توأم بوده است که بر صداقت انتخابات تأثیر گذاشته‌اند، وی می‌تواند ابطال عملیات انتخاباتی را اعلام کند [۱۵، ص ۳۷]. شورای دولتی در رأی مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۹۶ عدم دسترسی شهروندان به فهرست تصمیمات کمیسیون در محدوده مقرر برای مراجعه به دادگاه عمومی را اقدام متقلبانه دانست و انتخابات کمون مربوط را ابطال نمود. در صورت ابطال انتخابات به دلیل تخلفات مربوط به تنظیم فهرست‌های انتخاباتی، فرماندار موظف است که پیش از انتخابات جدید و حتی خارج از دوره سالانه بازبینی فهرست‌ها اصلاحات مورد نظر را برای از بین بردن تخلفات قبلی انجام دهد.

قاضی اداری فقط قانونمند بودن شکلی^۳ عملیات بازبینی فهرست‌ها را بررسی می‌کند. رسیدگی به اعتراضات اشخاص و حتی بخشداران و فرمانداران درخصوص شرایط ماهوی

۱. شورای دولتی در رأی مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۶۱ آگهی کردن فهرست پس از پایان مهلت اعتراضات را از اقدامات (مانور های) ناقض صداقت رأی‌گیری محسوب و انتخابات را ابطال کرد.

۲. رسیدگی به شکایات راجع به سلامت انتخابات محلی در فرانسه بر عهده دادگاه‌های اداری است. قاضی اداری فرانسه در مقام قاضی انتخاباتی دارای اختیار تایید، ابطال یا اصلاح نتایج انتخابات محلی است.

3. *légalité formelle*

برخورداری از حق رأی و در نتیجه، ثبت یا عدم ثبت نام اشخاص فاقد یا واجد شرایط رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است که باید ظرف ده روز تصمیم‌گیری کنند. پژوهش‌خواهی از تصمیمات دادگاه‌های عمومی در این حوزه ممکن نیست؛ اما این تصمیمات قابل فرجام‌خواهی نزد دیوان تمیز هستند. در صورت نقض تصمیم دادگاه بدوی توسط دیوان تمیز، پرونده به دادگاه جدیدی ارجاع می‌شود تا تصمیم‌گیری کند. در پایان ماه فوریه هر سال، فهرست انتخاباتی توسط کمیسیون اداری با لحاظ اصلاحات مورد تقاضای قضات عمومی یا دیوان تمیز بسته می‌شود [۴، ص ۳۹۶-۳۹۷]. انجام اصلاحات در فهرست‌های انتخاباتی پس از دوره بازبینی سالانه فهرست‌ها نیز تحت شرایطی امکانپذیر است. شهروندانی که پس از تنظیم سالانه فهرست‌ها واجد شرایط رأی‌دهندگان شده‌اند، در صورت پیش‌بینی برگزاری یک رأی‌گیری، می‌توانند ثبت نام شوند. این ثبت نام مختص اشخاصی است که پس از بازبینی سالانه فهرست‌ها دارای شرایط اعمال حق رأی در کمون شده‌اند و شامل اشخاص سهل‌انگاری نمی‌شود که در دوره بازبینی سالانه ثبت نام نکرده‌اند [۲، ص ۶۱]. شهروندان غیرفرانسوی اتحادیه اروپا ساکن فرانسه در فهرست‌های انتخاباتی تکمیلی ثبت نام می‌شوند تا بتوانند در انتخابات شوراهای کمون (شهر یا روستا) یا پارلمان اروپا رأی دهند. ثبت نام در فهرست انتخاباتی اصولاً شرط لازم و کافی برای رأی دادن است و ارائه کارت انتخاب‌کننده که گواهی شخصی ثبت نام است برای شرکت در رأی‌گیری الزامی نیست [۸، ص ۴۰۲].

مطابق ماده ۹ کد انتخاباتی فرانسه «ثبت نام در فهرست‌های انتخاباتی اجباری است». این تکلیف هم برای واجدان شرایط رأی دادن و هم برای متصدیان ثبت نام در فهرست‌های انتخاباتی است. تنها مجازات عدم ثبت نام در فهرست‌ها این است که شهروندان ثبت نام نشده از حق اعمال رأی خویش برخوردار نیستند. کمیسیون‌های اداری تنظیم و بازبینی فهرست‌های انتخاباتی مکلفند متقاضیان واجد شرایط رأی دادن را ثبت نام کنند و عدم ثبت نام آنان عملی غیر قانونی است [۵، ص ۲۵]. اشخاص دارای تعلق محلی به کمون‌های متعدد می‌توانند یکی از کمون‌های مورد تمایل خویش را برای ثبت نام در فهرست انتخاباتی آن انتخاب کنند. هر شهروند فرانسوی متقاضی حذف نام خویش از یک فهرست و ثبت آن در فهرست دیگر باید ارتباط کافی (تعلق محلی) با کمون جدید را توجیه کند. مؤسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی فرانسه مکلف است ثبت نام‌ها در فهرست‌های انتخاباتی را به صورت متمرکز ثبت کند و در صورت ثبت نام متعدد توسط یک شخص، موضوع را به شهرداران و



احیاناً فرمانداران اطلاع دهد [۸ ص ۴۰۲].^۱ به علاوه، شهرداران (دهیاران) مکلفند ثبت یا حذف نام‌ها از فهرست انتخاباتی کمون خویش را به این نهاد اطلاع دهند. تنظیم فهرست‌های انتخاباتی در قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی نشده است.

۲-۳. عدم تنظیم فهرست‌های انتخاباتی در ایران

به رغم گذشت بیش از یک قرن از برگزاری اولین رأی‌گیری سیاسی در ایران و جایگاه مهم انتخابات در زندگی سیاسی و اجتماعی این سرزمین، تنظیم فهرست‌های انتخاباتی در ایران الزامی نیست. برخی از حقوق‌دانان ایرانی [۱۷، ص ۳۹۲] لزوم تنظیم فهرست‌های انتخاباتی به شیوه فرانسوی را در پیش از انقلاب اسلامی پیشنهاد داده‌اند؛ اما این موضوع توجه قانونگذاران انتخاباتی را جلب نکرد. البته اقداماتی در قالب ثبت‌نام پیشینی رأی‌دهندگان صورت می‌پذیرفت؛ اما فهرست‌های تنظیمی عمومی و دائمی نبوده‌اند. واجدان شرایط انتخاب‌کنندگان برای مشارکت در تمام رأی‌گیری‌های سیاسی پیش از انقلاب اسلامی بایست مطابق آیین‌نامه پیشنهادی وزارت کشور مصوب هیأت وزیران در محل توطن یا سکونت خویش ثبت‌نام و کارت انتخاباتی دریافت کنند. به منظور جلوگیری از رأی دادن محرومان از حق رأی، دادستان‌های شهرستان و دادرسی ارتش به صورت منظم هر سه ماه یک بار فهرست اسامی، مشخصات و محل سکونت محجوران، ورشکستگان به تقصیر و محرومان از حقوق اجتماعی در اثر آرای قطعی محاکم عمومی یا نظامی را به وزارت کشور اعلام می‌کردند تا وزارت کشور موضوع را به اداره ثبت احوال حوزه انتخابیه اطلاع دهد. ثبت‌نام رأی‌دهندگان در پیش از انقلاب اسلامی فقط برای یک روز رأی‌گیری کاربرد داشت. رأی‌دهنده بایست کارت انتخاباتی خویش را پس از ابراز رأی در اختیار منشی انجمن نظارت قرار می‌داد تا آن را ابطال و به وی مسترد کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بارها به تدوین یا تغییر قوانین انتخاباتی مبادرت شد، اما لزوم تنظیم فهرست‌های دائمی انتخاب‌کنندگان مغفول ماند. مطابق قوانین و مقررات انتخاباتی، ثبت‌نام از رأی‌دهندگان در روز رأی‌گیری و پیش از اخذ رأی انجام می‌شود.^۲ ثبت‌نام

۱. در صورت ثبت نام یک شخص روی فهرست‌های متعدد انتخاباتی، مطابق شرایط مقرر در ماده ۳۶ کد انتخاباتی فرانسه، آخرین ثبت نام معتبر است و نام شخص از روی سایر فهرست‌های انتخاباتی حذف می‌شود.

۲. رک: ماده ۲۸ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات ریاست جمهوری، ماه ۶۵ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده ۶۸ آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش، ماده ۶۷ آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک، ماده ۶۳ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان و ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرای قانون همه پرسى.

رأی‌دهندگان در روز رأی‌گیری رضایتبخش نیست و اهداف ثبت‌نام در فهرست‌های انتخاباتی را تأمین نمی‌کند. تغییرات قوانین انتخاباتی تکرار می‌شوند، اما از تنظیم فهرست‌های انتخاباتی سخنی نیست. ظاهراً هدف قانونگذار ایرانی آزاد گذاشتن رأی‌دهندگان و جلوگیری از پیچیده شدن امر انتخابات جهت شرکت حداکثر واجدان شرایط رأی دادن است [۱۳، ص ۱۷۱]. اما تجربه برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری با مشارکت بیش از ۱۰۰ درصدی واجدان شرایط رأی‌دهی در برخی از حوزه‌های انتخابیه، ضرورت تنظیم فهرست‌های انتخاباتی را به منظور اطمینان از سلامت انتخابات نمایان‌تر کرده است؛ زیرا فهرست‌های انتخاباتی می‌توانند از وقوع بسیاری از تقلبات و تخلفات انتخاباتی جلوگیری کنند. شایسته است قانونگذار ایرانی با استفاده از تجارب سایر نظام‌های سیاسی، تنظیم فهرست‌های دائمی و علنی انتخاباتی را الزامی کند تا صداقت رأی‌گیری‌های سیاسی تأمین گردد.

ایرانیان دارای شرایط رأی‌دادن می‌توانند صرفاً با ارائه شناسنامه خویش در روز اخذ رأی در هر یک از شعب رأی‌گیری رأی دهند. متصدیان اخذ رأی موظفند در صفحه مختص انتخابات در شناسنامه رأی‌دهنده مهر بزنند. هدف از پیش‌بینی این صفحه در شناسنامه این است که تا حدودی نقش ثبت انتخاباتی را ایفا کند و با مهر شدن صفحه مختص انتخابات از رأی دادن مکرر شهروندان جلوگیری گردد. این راهکار نمی‌تواند اهداف اصلی تنظیم فهرست‌های انتخاباتی را تأمین کند. فهرست‌های انتخاباتی زمینه حسن جریان رأی‌گیری را فراهم می‌کنند و مانع تحقق بسیاری از تخلفات انتخاباتی می‌شوند. فهرست انتخاباتی یکی از ابزارهای مبارزه علیه تقلب است؛ زیرا اجازه می‌دهد تا بررسی گردد که یک شهروند فقط یک بار ثبت‌نام کند و فقط یک بار رأی دهد [۲، ص ۴۹]. یکی از توقعات دموکراسی بدون شک مبارزه علیه تقلب است [۱۸، ص ۳۲۹]. نقش مجریان و ناظران انتخابات نیز در جلوگیری از وقوع تخلفات حتی در صورت وجود فهرست‌های انتخاباتی غیر قابل چشم‌پوشی است. مجریان و ناظران انتخابات باید به لزوم برخورداری منتخبان از حقانیت دموکراتیک باور داشته باشند تا صیانت از آرای ملت را دغدغه واقعی خویش قرار دهند. راهحل مشکل تقلب انتخاباتی از طریق تربیت دموکراتیک تحقق می‌یابد که دائم در حال تکمیل شدن است و هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین مراقبت افکار عمومی شود [۵، ص ۱۲۳]. ثبت‌نام پیشینی رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی نیازمند پیش‌بینی شرط تعلق محلی آنان به حوزه رأی‌گیری است. شرط تعلق محلی می‌تواند ناقض اصل رأی عمومی تلقی گردد؛ اما اراده قانونگذاران بر مقابله با تخلفات و جلوگیری از رأی دادن در حوزه‌های انتخابیه متعدد است، نه این‌که رأی را



۳. تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه رأی‌گیری

دولت‌ها معمولاً تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه رأی‌گیری را برای ثبت‌نام در فهرست انتخاباتی آن لازم می‌دانند. واجدان شرایط ماهوی رأی‌دهندگان فقط می‌توانند در حوزه انتخاباتی محل ثبت‌نام و دارای تعلق محلی به آن رأی دهند. لذا معیارهای تحقق تعلق محلی به حوزه رأی‌گیری باید از ارتباط واقعی رأی‌دهندگان با آن حکایت کنند و به‌گونه‌ای تعیین شوند که هر شهروند حداقل با یک حوزه انتخاباتی مرتبط گردد. معیارهای تحقق تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه در فرانسه بسیار گسترده‌اند. مطابق ماده ۱۱ کد انتخاباتی فرانسه، اقامت واقعی به معنای قانون مدنی، سکونت کنونی، واقعی و مستمر حداقل شش ماه تا تاریخ بستن قطعی فهرست انتخاباتی (آخرین روز ماه فوریه)، ثبت‌نام در قالب مؤدی مستقیم مالیاتی کمون (مالیات مسکن، مالیات حرفه‌ای، مالیات ملکی) در حداقل پنج سال قبل، ثبت‌نام همسر در همان فهرست و سکونت اجباری برخی از مستخدمان عمومی در کمون از معیارهای تحقق تعلق محلی به حوزه انتخابیه در فرانسه هستند.

قوانین انتخاباتی مصوب پیش از انقلاب اسلامی ایران، تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه را برای اعمال حق رأی در تمام انتخابات سیاسی شرط می‌دانستند. به رغم مخالفت برخی از نویسندگان [۲۰، ص ۷۱] با شرط تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه، این شرط برای مشارکت در تمام انتخابات سیاسی ایران تا پیروزی انقلاب اسلامی حفظ شد. البته شرط تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه ضمانت اجرای مؤثری نداشت، زیرا هیچ سازمان رسمی برای ثبت مدت سکونت شهروندان حوزه انتخابیه تعیین نشده بود [۱۹، ص ۳۹]. امروزه تعلق محلی به حوزه انتخابیه برای شرکت در رأی‌گیری‌های ملی ایران، یعنی همه‌پرسی، انتخاب ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان رهبری شرط نیست. شهروندان ایرانی می‌توانند در هر یک از حوزه‌های انتخابیه و شعب رأی‌گیری رأی دهند. حوزه‌بندی رأی‌گیری (انتخاباتی) در همه‌پرسی و انتخاب ریاست جمهوری به هدف تسهیل برگزاری رأی‌گیری است؛ اما در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری از اهداف دیگری نیز تبعیت می‌کند. تعداد نمایندگان هر یک از

حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان رهبری با جمعیت آن‌ها مرتبط است. «امکان رأی دادن در هر حوزه انتخابیه بدون اشتراط تعلق محلی برای رأی‌دهندگان با این اندیشه سازگار است که نمایندگان عهده‌دار نمایندگی تمام ملت هستند. اما این موضوع ارتکاب تخلف انتخاباتی را آسان می‌کند و به احزاب و گروه‌های سیاسی اجازه می‌دهد تا توده‌های انتخاب‌کنندگان را جابه‌جا کنند و اکثریت را در برخی از حوزه‌های انتخابیه تغییر دهند» [۲۱، ص ۵۲۳-۵۲۴]. بسیاری از شهروندان ایرانی در روز انتخابات به دلیل وابستگی‌های سیاسی، اجتماعی و یا حتی قومی و قبیله‌ای با داوطلبان در حوزه‌های انتخابیه فاقد تعلق محلی به آن رأی می‌دهند.

ایراد عدم تعیین شرط تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه در زمان برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای نمایان‌تر می‌شود، زیرا هرکس که در انتخابات عادی شرکت نکرده است می‌تواند در انتخابات میان‌دوره‌ای هریک از حوزه‌های انتخابیه به انتخاب خویش رأی دهد. به این ترتیب، یکی از اهداف اصلی تقسیم‌بندی حوزه‌های انتخابیه، یعنی تضمین اصل برابری شهروندان نقض می‌گردد. تقسیم سرزمین و جمعیت کل کشور به حوزه‌های انتخاباتی، نخستین گام به منظور تسهیل کار انتخابات و فراهم آوردن تناسب عادلانه بین شمار نمایندگان و جمعیت کشور است [۲۲، ص ۱۱۸]. منتخبان مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان ساکنان حوزه‌های انتخابیه فعالیت می‌کنند و مشکلات آنان را در سطح ملی پیگیری می‌کنند. شایسته نیست که اشخاص فاقد تعلق محلی به یک حوزه انتخابیه در قلمرو آن رأی دهند. در مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ پیشنهاد شد که شرط توطن و یا سکونت از شش ماه قبل در حوزه انتخابیه به شرایط انتخاب‌کنندگان در انتخابات پارلمانی اضافه شود. موافقان استدلال می‌کردند که این پیشنهاد از تخلف و جابه‌جایی گروهی رأی‌دهندگان و در نتیجه تغییر سرنوشت انتخابات در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه کوچک جلوگیری می‌کند. در مقابل، مخالفان معتقد بودند که این پیشنهاد قابل اجرا نیست و بسیاری از مردم را از حق رأی محروم می‌کند [۲۳، ص ۲۰-۲۱]. مجلس شورای اسلامی به دلیل نگرانی از محدود شدن حق رأی شهروندان و مشکلات اجرای شرط تعلق محلی این پیشنهاد را نپذیرفت. فقط قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور به لزوم تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه توجه کرده است. مطابق بند ۳ ماده ۲۵ این قانون «سکونت حداقل یک سال در محل اخذ رأی به استثنای شهرهای بالای یک‌صد هزار نفر جمعیت» از شرایط رأی‌دهندگان در انتخابات شوراهای اسلامی شهر یا روستا است. «کسانی



که محل کار آنان خارج از محدوده حوزه انتخابیه باشد، ولی افراد تحت تکفل آنان مانند همسر و فرزندان حداقل یک سال قبل از انتخابات در حوزه انتخابیه سکونت داشته باشند» می‌توانند در همان حوزه انتخابیه رأی دهند. عدم تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه‌های انتخابیه شهر یا روستا باید به محرومیت آنان از اعمال حق رأی در انتخابات محلی منجر شود.

۴. ضمانت اجرای محرومیت از اعمال حق رأی

قوانین انتخاباتی شرایط اجباری و سلبی رأی‌دهندگان را تعیین می‌کنند. تعیین شرایط رأی‌دهندگان از اهداف متنوعی تبعیت می‌کند و اصولاً به منظور تأمین واقعیت و سلامت انتخابات است. تابعیت، بلوغ، آمادگی روانی و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی شرایط رأی‌دهندگان را تشکیل می‌دهند و فاقدان این شرایط نباید در انتخابات مشارکت کنند. ثبت نام رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی و بازبینی سالانه و فوق‌العاده این فهرست‌ها اجرای محرومیت‌ها از اعمال حق رأی را در فرانسه تضمین می‌کنند. لذا ثبت یا بقای نام محرومان از حق رأی در فهرست‌های انتخاباتی و در نتیجه، اعمال حق رأی توسط آنان در فرانسه ممکن نیست. ثبت نام رأی‌دهندگان فرانسوی در فهرست‌های انتخاباتی منوط به اثبات تعلق محلی آنان به حوزه رأی‌گیری است که این تدبیر اجرای شرط تعلق محلی را نیز تضمین می‌کند. متصدیان تنظیم فهرست‌های انتخاباتی توسط دستگاه قضایی در جریان محجوریت یا محکومیت‌های کیفری توأم با محرومیت از حق رأی اتباع فرانسوی قرار می‌گیرند. در واقع، تصمیم قضایی حاوی ممنوعیت محکوم‌علیه از حق رأی توسط دفتر دادگاه برای مؤسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی فرانسه ارسال می‌شود و این نهاد موظف است ممنوعیت مذکور را به شهرداری (دهیاری) محل ثبت نام اطلاع دهد تا نام شخص را از فهرست انتخاباتی حوزه انتخابیه حذف کند [۲، ص ۴۵-۴۶].

مطابق قوانین ایران «مجانین»^۱ و «محرومان از حقوق اجتماعی» از حق رأی محروم هستند و «تعلق محلی به حوزه انتخابیه» شرط اعمال حق رأی در اکثر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا است؛ اما مجریان انتخابات نمی‌توانند جنون، محرومیت از حقوق اجتماعی یا عدم تعلق محلی مراجعه‌کنندگان به شعب ثبت نام و اخذ رأی را تشخیص دهند،

۱. فقط در قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور «عقل» یا «عدم جنون» برای رأی‌دهندگان شرط نشده است که این وضعیت ظاهراً ناشی از غفلت قانونگذار انتخاباتی است.

زیرا هر ایرانی صرفاً با ارائه شناسنامه خویش در هریک از شعب اخذ رأی می‌تواند رأی دهد. حتی در صورت اعلام محجوریت اشخاص به دلیل جنون یا محرومیت آنان از حقوق اجتماعی توسط محاکم، متصدیان ثبت‌نام و اخذ رأی فاقد ابزارهای قانونی لازم برای اطلاع و جلوگیری از مشارکت آنان در انتخابات هستند. در صورت الزامی شدن ثبت‌نام رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی برای اعمال حق رأی در انتخابات سیاسی ایران، تشخیص رأی‌دهندگان فاقد تعلق محلی به حوزه انتخابیه، مجانین و محرومان از حقوق اجتماعی برای مجریان انتخابات ممکن می‌گردد؛ اما در وضعیت فعلی تصمیمات دادگاه‌ها مبنی بر محجوریت اشخاص به دلیل جنون یا محرومیت آنان از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تنبیهی یا تبعی، هیچ تأثیر محسوسی بر جلوگیری از مشارکت آن‌ها در رأی‌گیری‌های سیاسی ندارد. ظاهراً فقدان فهرست‌های انتخاباتی در ایران دلیل عدم اشتراط «تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه» در اکثر انتخابات سیاسی و عدم اشتراط «عدم محرومیت از حقوق اجتماعی» برای رأی‌دهندگان در قوانین خاص انتخاباتی ایران است. قانونگذاران انتخاباتی باید محرومیت‌ها از اعمال حق رأی را تضمین و زمینه مشارکت شهروندان مقیم خارج از کشور را در انتخابات سیاسی فراهم کنند.

۵. اعمال حق رأی شهروندان مقیم خارج

نظام‌های سیاسی با مشکلات زیادی برای فراهم کردن مشارکت رضایتبخش شهروندان ساکن خارج از کشور در حیات سیاسی ملی روبه‌رو هستند. بسیاری از این شهروندان مایلند در تصمیم‌گیری‌های مهم مربوط به کشوری که به آن تعلق عاطفی و سیاسی دارند مشارکت کنند؛ اما بسیاری از هموطنان ساکن سرزمین مادری آنان دارای نگاهی بدبینانه به مشارکت خارج‌نشینان در حیات سیاسی هستند و نگرانند که به رغم گسترش ابزارهای اطلاع‌رسانی و ارتباطات جمعی هموطنان ساکن خارج، آنان به اندازه کافی در جریان واقعیت‌های کشور متبوع خویش نباشند. در مجموع، کشورهای زیادی تلاش می‌کنند تا با تعیین روش‌های مختلف رأی دادن یا نمایندگی، امکان اعمال حق رأی اتباع مقیم خارج خویش را در انتخابات سیاسی فراهم کنند. مطابق بند ۵ ماده ۲۴ قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه، فرانسویان مقیم خارج در مجلس ملی و سنا نمایندگی می‌شوند. منشأ نمایندگی فرانسویان خارج از کشور در پارلمان به جمهوری چهارم فرانسه برمی‌گردد؛ زیرا نمایندگی آنان در پارلمان از طریق تعیین نمایندگان فرانسویان مقیم خارج در مجلس دوم جمهوری چهارم، یعنی شورای



جمهوری (منتخب رأی‌گیری غیرمستقیم) فراهم شد. نمایندگی فرانسویان خارج از کشور در مجلس دوم با استقرار جمهوری پنجم دارای ارزش اساسی شد؛ زیرا در متن مصوب سال ۱۹۵۸ ماده ۲۴ قانون اساسی شناسایی گردید. قانونگذار فرانسوی برای فرانسویان مقیم خارج از کشور در انتخابات سناتورها حوزه‌های انتخابیه مخصوص تعریف کرده است که دوازده سناتور آنان را در مجلس دوم (سنا) نمایندگی می‌کنند. هیأتی مرکب از اعضای منتخب مجمع فرانسویان خارج متشکل از حدود ۱۴۵۰۰۰ نفر، سناتورهای فرانسویان مقیم خارج از کشور را انتخاب می‌کنند [۲۴، ص ۶۳۱]. شناسایی اساسی نمایندگی فرانسویان مقیم خارج در مجلس ملی (منتخب رأی‌گیری همگانی مستقیم) از طریق بازنگری قانون اساسی در سال ۲۰۰۸ صورت پذیرفت. یازده حوزه انتخابیه مخصوص فرانسویان مقیم خارج برای انتخاب نمایندگان آنان در مجلس ملی تعیین شده است.

قانونگذار انتخاباتی فرانسه، ایجاد شعب اخذ رأی خارج از کشور در سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های سیاسی فرانسه را پیش‌بینی کرده است. گشایش این شعب ابتدا با مخالفت برخی از کشورهای دارای شمار بالای فرانسویان مقیم مواجه گردید. مثلاً در نوامبر ۱۹۷۵ کشورهای جمهوری فدرال آلمان، سوئیس، ساحل عاج، الجزایر و کامرون با ایجاد شعب اخذ رأی فرانسویان مخالفت کردند. علت مخالفت این کشورها به دلایل ساده فرصت‌طلبی سیاسی یا دغدغه صیانت از حاکمیتشان بوده است؛ زیرا انجام رأی‌گیری توسط دولت فرانسه در سرزمینهایشان را با حاکمیت ملی خویش ناسازگار می‌دانستند [۲۵، ص ۱۷۰]. این مشکل اکنون مطرح نیست؛ زیرا نظام‌های سیاسی به‌آسانی می‌پذیرند که سایر دولت‌ها در سرزمین آنها شعب اخذ رأی ایجاد کنند. با گشایش شعب اخذ رأی در خارج از کشور، فرانسویان خارج‌نشین می‌توانند در همه‌پرسی، انتخاب ریاست جمهوری یا انتخابات مجلس ملی فرانسه شرکت کنند. لذا فرانسویان خارج‌نشین می‌توانند در فهرست‌های انتخاباتی تنظیمی در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های فرانسه ثبت‌نام شوند تا در روز رأی‌گیری شخصاً یا از طریق رأی وکالتی رأی دهند. به‌علاوه، ابراز رأی از راه دور (پاکت یا الکترونیک) برای انتخاب نمایندگان فرانسویان مقیم خارج در مجلس ملی امکانپذیر است. به‌رغم مشکلات اجرایی و نظارتی آرای وکالتی یا از راه دور، بسیاری از نظام‌های سیاسی از این شیوه‌های رأی‌گیری برای تسهیل مشارکت شهروندان مقیم خارج خویش در انتخابات سیاسی استفاده می‌کنند. شهروندان فرانسوی مقیم خارج همچنین می‌توانند در فهرست انتخاباتی یکی از کمون‌های دارای تعلق محلی به آن در فرانسه ثبت‌نام کنند. به این ترتیب، مشارکت آنان در انتخابات پارلمانی و محلی با حضور در شعب اخذ رأی در روز

انتخابات یا از طریق رأی وکالتی فراهم می‌شود.^۱ این مقررات اجازه می‌دهند تا فرانسویان ساکن خارج از کشور با سرزمین مادری خویش به صورت مستمر مرتبط باشند و در حیات سیاسی فرانسه به صورت مؤثر مشارکت کنند.

تمام ایرانیان مقیم داخل یا خارج کشور از حق رأی در انتخابات سیاسی برخوردار هستند. امکان مشارکت ایرانیان مقیم خارج در همه‌پرسی و انتخاب ریاست جمهوری فراهم است؛ زیرا مواد ۶ و ۲۵ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران و مواد ۲۰ و ۵۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری، تشکیل هیأت‌های اجرایی انتخابات در سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های سیاسی ایران و ایجاد شعب اخذ رأی در خارج از کشور را پیش‌بینی کرده‌اند. شمار اندک حوزه‌های اخذ رأی خارج از کشور و فاصله زیاد آن‌ها با محل سکونت بسیاری از ایرانیان مقیم خارج، مانع مشارکت مناسب آنان در این دو رأی‌گیری سیاسی است. دوری ایرانیان ساکن خارج از سرزمین ملی‌شان مانعی بزرگ در برابر مشارکت آنان در آیین مدنی انتخابات است. در صورت تعیین سازوکارهای مشارکت آنان در انتخابات ملی، این دسته از شهروندان ایرانی می‌توانند در انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان رهبری مشارکت کنند. تعیین حوزه‌های انتخابیه ایرانیان مقیم خارج از کشور برای انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری قابل پیشنهاد است و قانونگذاران ایرانی می‌توانند تعداد اندکی از کرسی‌های این دو نهاد سیاسی مهم را برای نمایندگی آنان تعیین کنند. این پیشنهاد با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سازگار است؛ زیرا ذیل اصل ۶۴ قانون اساسی تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی را به قانون عادی واگذار کرده است و مجلس خبرگان رهبری نیز می‌تواند به استناد اصل ۱۰۸ قانون اساسی با اصلاح قانون انتخابات خبرگان، حوزه‌های انتخابیه خارج از کشور را برای نمایندگی ایرانیان مقیم خارج تعیین کند. به‌علاوه، اصل ۶۲ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی را متشکل از نمایندگان ملت می‌داند که ملت مرکب از زنان و مردان ایرانی مقیم داخل و خارج کشور است. اعطای کرسی‌های مختص نمایندگی ایرانیان مقیم خارج در مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان

۱. فرانسویان مقیم خارج نام نویسی شده در کنسولگری‌ها می‌توانند با ارایه تقاضا در فهرست انتخاباتی کمون محل تولد خویش، کمون آخرین اقامتگاه خویش، کمون آخرین محل سکونت خویش به شرط سکونت حداقل شش ماه، کمونی که در آن یکی از نیاکانشان متولد شده‌اند، ثبت نام شده‌اند یا ثبت نام شده بودند و یا کمونی که در فهرست انتخاباتی آن یکی از فرزندان طبقه اول آنان ثبت نام شده است نام خویش را ثبت نمایند. ثبت نام این دسته از فرانسویان مقیم خارج در فهرست انتخاباتی ثبت نامی همسرشان نیز ممکن است. گستردگی دایره انتخاب محل ثبت نام شهروندان فرانسوی مقیم خارج اعمال رأی آنان را تسهیل می‌نماید [۲، ص ۵۳].



رهبری می‌تواند توقعات «تأمین آزادی‌ها سیاسی و اجتماعی» و «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خویش» مندرج در بند ۷ و ۸ اصل ۳ قانون اساسی را نیز تقویت کند. به دلیل عدم تعیین حوزه‌های انتخابیه خارج از کشور و عدم شناسایی آرای مکاتبه‌ای و وکالتی در انتخابات سیاسی ایران، ایرانیان ساکن خارج عملاً از نمایندگی و اعمال حق رأی خویش در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری محروم شده‌اند. این محرومیت، حتی ایرانیانی را شامل می‌شود که ساکن خارج از کشور نیستند، اما در روز رأی‌گیری در مسافرت خارج از کشور هستند.

۶. نتیجه‌گیری

دارا بودن شرایط اعطای حق رأی، یعنی تابعیت، بلوغ، آمادگی روانی و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی برای اعمال مؤثر آن کفایت نمی‌کند، بلکه رأی‌دهنده باید از توقعات قانونی دیگری نیز تبعیت کند. ثبت‌نام رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی و تعلق محلی آنان به حوزه رأی‌گیری از شرایط اعمال حق رأی در بسیاری از نظام‌های سیاسی هستند. ثبت‌نام رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی در فرانسه اجباری است. فقط فرانسویان ثبت‌نام شده در فهرست‌های انتخاباتی می‌توانند در رأی‌گیری‌ها شرکت کنند. تنظیم و بازبینی سالانه فهرست‌های انتخاباتی در فرانسه برعهده یک کمیسیون اداری مستقر در شهرداری‌ها (دهیاری‌ها) است. عملیات بازبینی فهرست‌ها تحت نظارت مقامات فرمانداری است و فعالیت کمیسیون می‌تواند به نظارت قضات عمومی و اداری نیز کشیده شود. به رغم گذشت بیش از یک قرن از پیروزی انقلاب مشروطه و تجربه برگزاری رأی‌گیری‌های متنوع سیاسی در ایران، هنوز تنظیم فهرست‌های انتخاباتی در ایران الزامی نیست. فهرست انتخاباتی در ایران، حلقه مفقود تحقق بسیاری از شرایط صیانتگر سلامت و صداقت انتخابات است. به دلیل فقدان فهرست‌های انتخاباتی نمی‌توان اجرای شرط تعلق محلی در انتخابات شوراهای اسلامی محلی یا محرومیت از حق رأی مجانین و محرومان از حقوق اجتماعی در رأی‌گیری‌های سیاسی را تضمین کرد. محجوران و محرومان از حقوق اجتماعی در قوانین پیش از انقلاب اسلامی از حق رأی در انتخابات پارلمانی و محلی محروم بوده‌اند و ثبت‌نام پیشینی رأی‌دهندگان، تضمینی نسبی برای جلوگیری از مشارکت آنان در حیات سیاسی بوده است. مطابق قوانین انتخاباتی کنونی ایران، ثبت‌نام رأی‌دهندگان در روز رأی‌گیری انجام می‌شود که این امر اهداف ثبت‌نام در فهرست‌های انتخاباتی را تأمین نمی‌کند. فهرست‌های انتخاباتی زمینه حسن جریان

رأی‌گیری را فراهم می‌کنند و ثبت‌نام رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی نیازمند پیش‌بینی شرط تعلق محلی آنان به حوزه رأی‌گیری است. قوانین انتخاباتی مصوب پیش از انقلاب اسلامی ایران تعلق محلی به حوزه انتخابیه را برای اعمال حق رأی در تمام انتخابات سیاسی شرط می‌دانستند. اکنون تعلق محلی به حوزه انتخابیه برای مشارکت در انتخابات ملی ایران شرط نیست. از این رو، شهروندان ایرانی می‌توانند در هر یک از حوزه‌های انتخابیه و شعب رأی‌گیری به انتخاب خویش رأی دهند. فقط قانون انتخابات شوراهای اسلامی محلی به شرط تعلق محلی رأی‌دهندگان تاحدودی توجه کرده است که عملاً فاقد ضمانت‌اجرای مناسب است. تعیین حوزه‌های انتخابیه فرانسویان مقیم خارج از کشور برای انتخابات پارلمانی، ایجاد شعب اخذ رأی خارج از کشور برای همه‌پرسی و انتخاب ریاست جمهوری و امکان ابراز آرای وکالتی یا از راه دور در انتخابات سیاسی فرانسه سبب شده‌اند تا فرانسویان مقیم خارج بتوانند در حیات انتخاباتی فرانسه مشارکت کنند. ایرانیان حاضر در خارج از کشور عملاً از اعمال مناسب حق رأی خویش در بسیاری از انتخابات سیاسی محروم هستند.

۷. منابع

- [1] Chevallier, Jean-Jacques, *Cours de droit constitutionnel*, Paris, Les cours de droit, 1945.
- [2] Masclet, Jean-Claude, *Droit électoral*, Paris, puf, 1989.
- [3] Hamon, Francis et Troper, Michel, *Droit constitutionnel*, Paris, LGDJ, 28^e éd., 2003.
- [4] Pactet, Pierre, *Institutions politiques droit constitutionnel*, Paris, Armand Colin, 21^e éd., 2002.
- [5] Masclet, Jean-Claude, *Le droit des élections politiques*, Paris, puf, 1992.
- [۶] روسو، دومینیک، «آزادی سیاسی و حق رأی در فرانسه»، ترجمه جواد تقی زاده، نشریه حقوق اساسی، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳.
- [7] Turpin, Dominique, *Droit constitutionnel*, Paris, puf, 2003.
- [8] Chantebout, Bernard, *Droit constitutionnel*, Paris, Armand Colin, 20^e éd., 2003.
- [9] Delpérée, Francis, *Le contentieux électoral*, Paris, Puf, 1998.
- [10] de Villiers, Michel et Vincent, Jean-Yves, *Code électoral*, Paris, Litec, 6^e éd.,



- 2002.
- [11] Ardant, Philippe, *Institutions politiques et droit constitutionnel*, Paris, LGDJ, 15^e éd., 2003.
- [12] Pierre, Eugène, *Traité de droit politique, électoral et parlementaire*, Paris, Loysel, réédité en 1989.
- [۱۳] صمدی، سعید، بررسی تطبیقی انتخابات پارلمان ۱۱۰ کشور جهان، پایاننامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، بهار ۱۳۷۴.
- [14] Hauriou, Maurice, *Précis de droit constitutionnel*, Paris, Sirey, 2^e éd., 1929.
- [15] Gérard, Patrick et Robbe, François, *droit des élections locales*, Paris, documentations Françaises, 2001.
- [16] Duguit, Léon, *Traité de droit constitutionnel*, Tome IV, Paris, Boccard, 3^e éd., 1928.
- [۱۷] قاسم زاده، قاسم، حقوق اساسی، چ ۶، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.
- [18] Mathieu, Bertrand et Verpeaux, Michel, *Droit constitutionnel*, Paris, puf, 2004.
- [19] Dadfar, Habibollah, *La Constitution de l'Iran et la séparation des pouvoirs*, Thèse, Université de Paris, 1952.
- [۲۰] راوندی، مرتضی، تفسیر قانون اساسی ایران، چ ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- [21] Laferriere, Julien, *Manuel de droit constitutionnel*, Paris, Domat - Montchrestien, 1947.
- [۲۲] محمدی دریاسری، معصومه، بررسی تحلیلی نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، پردیس قم دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- [۲۳] روزنامه رسمی، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره اول، اجلاس چهارم، جلسه ۵۶۶.
- [24] Favoreu, Louis et al., *Droit constitutionnel*, Paris, Dalloz, 6^e éd., 2003.
- [25] Christien, Robert, *L'élection du président de la cinquième république*, Thèse, Paris 1, 1985.